



نفاق هم‌ردیف کفر دانسته شده است/مرزشناسی نفاق و تقیه در قرآن

«نفاق» در قرآن، هم‌ردیف «کفر» آمده است و صفت کافرانی است که بدون اعتقاد به خدا و پیامبر (ص) و روز رستاخیز، در میان مسلمانان، تظاهر به اسلام و ایمان می‌کنند.

«نفاق» در قرآن، هم‌ردیف «کفر» آمده است و صفت کافرانی است که بدون اعتقاد به خدا و پیامبر (ص) و روز رستاخیز، در میان مسلمانان، تظاهر به اسلام و ایمان می‌کنند.

به گزارش خبرنگار مهر، موضع‌گیری اعتقادی و اجتماعی و سیاسی انسان در مقابل حق و باطل بنا به اقتضائات زمانی دوگونه است؛ یا موضع‌گیری واقعی و قلبی اوست یا موضع‌گیری مصنوعی و ظاهری او. در زبان قرآن و در فرهنگ اسلام، هر کدام از آن موضع‌گیری‌ها نام خاص خود را داشته و هر یک، از احکام و تکالیف خاص خود پیروی می‌نمایند. نفاق و تقیه واژه‌هایی اند که در موارد بالا کاربرد داشته و از فرهنگ قرآن به فقه و فرهنگ اسلامی جریان یافته است. با توجه به ابهام آمیز بودن آن دو واژه در مقام تشخیص و تکلیف، تبیین آن‌ها را ضروری می‌نماید تا انسان مسلمان را در مسیر زندگی مؤمنانه و در گیر و دارهای اجتماعی و سیاسی کارساز و راه‌یاب بوده باشد.

نفاق و تقیه، با توجه به وجه تشابهی که دارند، گاه تشخیص آن دو را از همدیگر مشکل می‌نماید. ناآشنایی با مفاهیم آن‌ها چه بسا که تردید و خطاکاری در اعمال و وظایف فردی را به دنبال داشته و انسان را تا ورطه هلاکت رهنمون می‌گردد و چه بسا که در مناسبات اجتماعی، به سوءظن و تهمت و افترا در حق دیگران می‌اجامد؛ و آشنایی با مفاهیم آن‌ها انسان را در انتخاب مسیر درست و در شناسایی افراد منافق و اهل تقیه یاری می‌نماید.

برای ورود به این بحث، ابتدا به موضوع نفاق و سپس تقیه را مورد بحث قرار داده و در نهایت، حاصل تحقیق و جمع بندی جستار را که شامل وجوه تمایز و تکالیف هر کدام در فرهنگ قرآنی و سیره معصومان (ع) است، می‌آوریم.

نفاق چیست؟

نفاق اسم مصدر است از «نَفَقَ» و به قولی از نفاقاء[1] این واژه در قالب کلام، به معانی دوگانه‌ای به کار رفته است. گاه در جمع «نَفَقَه» به معنای خرج کردن و هزینه کردن آمده، و گاه عملکرد فرد منافق را افاده نموده است. [2] آن گونه که از ریشه کلمه نفاق یعنی «نَفَقَ» (بر وزن برق) ظاهر می‌شود، آن تونلی است که «یربوع» - موش دو پای شبیه راسو - در زیرزمین بر خود ایجاد می‌کند تا در هنگام حمله برخی حیوانات به لانه آن، از سوی دیگر تونل پا به فرار گذاشته و خود را از خطر دشمن برهاند.[3]

"ابن منظور مصری" می‌افزاید که: در حدیث، واژه «نفاق» با دیگر مشتقاتش از اسم و فعل، زیاد تکرار شده است؛ و آن یک واژه اسلامی است که اعراب پیش از اسلام با آن در این معنای خاص آشنا نبوده‌اند.[4] در اصطلاح اسلامی نفاق را عمل منافقانه، و داخل شدن به اسلام از سویی و خارج شدن از آن از سوی دیگر معنا نموده‌اند، [5] و منافق را کسی می‌دانند که: کفر خود را پنهان و ایمان خود را آشکار می‌کند؛ دشمنی خود را مخفی و صداقت خود را نمایان می‌کند؛ و یا برخلاف آنچه در دل دارد خودنمایی می‌کند.[6]

به طور کلی «نفاق، مصداقی از شرک است و تا اصل شرک در نهان کسی پدید نیاید، فتنة نفاق از او سر نمی‌زند؛ چنان‌که عمل منافقانه زمینه شدت شرک را فراهم می‌کند.[7] (جوادی آملی، 1386، 2، 261).

نفاق در قرآن

«نفاق» در قرآن، هم‌ردیف «کفر» آمده است و صفت کافرانی است که بدون اعتقاد به خدا و پیامبر و روز رستاخیز، در میان مسلمانان، تظاهر به اسلام و ایمان می‌کنند. آیات زیر را توجه فرمایید:

(1) - «الْأَعْرَابُ أَشَدُّ كُفْرًا وَ نِفَاقًا ...» (توبه 9، 97) - بادیه‌نشینان، کفر و نفاقشان شدیدتر است.

(2) «لِيَعْلَمَ الَّذِينَ نَافَقُوا ... هُمْ لِلْكَفَرِ يَوْمَئِذٍ أَقْرَبُ مِنْهُمْ لِلْإِيمَانِ ...» (آل عمران 3، 167) - و بشناسند آنان را که نفاق ورزیدند؛ ...

آنان در آن روز به کفر نزدیک‌تر از ایمانند.

(3) «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ» (توبه، 9، 73؛ تحریم، 66، 9) - ای پیامبر! با کافران و منافقان پیکار کن و بر آنان سخت‌گیری بنمای.

(4) «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ اتَّقِ اللَّهَ وَلَا تُطِيعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ» (احزاب، 33، 1) - ای پیامبر! با کافران و منافقان پیکار کن و بر آنان سخت‌گیری بنمای.

(5) «وَعَدَ اللَّهُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْكُفَّارَ نَارَ جَهَنَّمَ» (توبه، 9، 68) - خداوند به مردان و زنان منافق و کافران وعده آتش دوزخ داده است.

(6) «إِنَّ اللَّهَ جَامِعُ الْمُنَافِقِينَ وَالْكَافِرِينَ فِي جَهَنَّمَ جَمِيعًا» (نساء، 4، 140) - خداوند، منافقان را با کافران در جهنم جمع خواهد کرد.

صفت منافقان در قرآن

قرآن کریم در آیات گوناگون، چهره منافقان را چنین ترسیم می‌نماید:

1- منافقان بیماردلانند:

(1-1) «فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا» (بقره، 2، 11)

- در دل‌های آنان بیماری است؛ خداوند بر بیماریشان بیفزاید.

(2-1) «إِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ ...» (انفال، 8، 49؛ احزاب، 33، 12)

- هنگامی که منافقان و آنان که در دل‌هایشان بیماری است می‌گفتند: ...

(2) منافقان به خیال خود خدا را فریب می‌دهند:

«إِنَّ الْمُنَافِقِينَ يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَهُوَ خَادِعُهُمْ» (نساء، 4، 142)

- همانا منافقان با خدا فریبکاری می‌کنند و حال آن‌که خدا فریب دهنده آنان است.

(3) بر پیامبری رسول خدا (ص) گواهی دروغ می‌دهند:

«إِذَا جَاءَكَ الْمُنَافِقُونَ قَالُوا تَشْهَدُ إِنَّكَ لَرَسُولُ اللَّهِ ... وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَكَاذِبُونَ» (منافقون، 63، 1)

- هنگامی که منافقان نزد تو می‌آیند می‌گویند: «ما شهادت می‌دهیم که یقیناً تو رسول خدایی؛ ... ولی خداوند گواهی می‌دهد که منافقان دروغ‌گویانند.

(4) وعده‌های خدا و پیامبر را دروغ می‌پنداشتند:

«وَإِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ إِلَّا غُرُورًا» (احزاب، 33، 12) - و هنگامی که منافقان و بیماردلان می‌گفتند: خدا و پیامبرش جز وعده‌های دروغین به ما نداده‌اند.

(5) فراریان از جبهه جنگ:

5-1: «وَقِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَوْ ادْفَعُوا قَالُوا لَوْ تَعْلَمُ قِتَالًا لَاتَّبَعْنَاكُمْ ...» (آل عمران، 3، 167) - چون به آنان گفته شد: «بیایید در راه خدا نبرد کنید یا به دفاع بپردازید»، گفتند: «اگر جنگ آزموده بودیم با شما همراهی می‌کردیم.

2-5: «... إِنْ كُنْتُمْ رَاضِينَ بِالْقُعُودِ...» (توبه 9، 83) - شما (منافقان) به بازماندن از جهاد خشنودید.

(6) در برابر مؤمنان بسیار ترسناکند:

«لَأَنْتُمْ أَشَدُّ رَهْبَةً فِي صُدُورِهِمْ مِنَ اللَّهِ...» (حشر 59، 13) - آنان بیش از خدا از شما بیمناکند.

(7) از دین بر علیه دین استفاده می کنند:

«الَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَ كُفْرًا وَ تَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ. وَ...» (توبه 9، 107) - کسانی که مسجد می سازند تا به مؤمنان زیان رسانند و میان آنان کفر و تفرقه اندازند.

(8) از مسجد و مراکز مذهبی به عنوان خانه تیمی و کمینگاه استفاده می کنند.

«الَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا... وَ إِرْصَادًا لِمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ...» - آنان که برای خسارت زدن به مؤمنان، مسجد می سازند ... کمین گاه کسانی است که می خواهند با خدا و رسول او محاربه نمایند.

(9) بدی ها و منکرات را ترویج می کنند:

«الْمُنَافِقُونَ وَ الْمُنَافِقَاتُ ... يَنْهَوْنَ عَنِ الْمَعْرُوفِ (همان) - مردان و زنان منافق ... از ارزش های اسلامی منع می کنند.

(11) انفاق نمی کنند و مانع انفاق کنندگان می شوند:

11-1 «الْمُنَافِقُونَ وَ الْمُنَافِقَاتُ ... وَ يَقِضُونَ أَيْدِيَهُمْ» (همان) - مردان و زنان منافق ... دست خود را از انفاق در راه خدا می بندند.

11-2 «هُمُ الَّذِينَ يَقُولُونَ لَا تُنْفِقُوا مَن عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ حَتَّى يَنْقَضُوا وَ لِلَّهِ خَزَائِنُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ لَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَفْقَهُونَ» (منافقون 63، 7)

11-3 آنان همان هایند که می گویند: بر کسانی که اطراف پیامبر خدایند، انفاق نکنید تا پراکنده شوند؛ در حالی که خزینه های آسمان ها و زمین، از آن خداوند است؛ ولی منافقان می فهمند.

11-4 «وَ مِنْهُمْ مَن عَاهَدَ اللَّهُ لَنَ آتَانَا مِنْ فَضْلِهِ لَنُصَدِّقَنَ... فَلَمَّا آتَاهُمْ مِنْ فَضْلِهِ بَخِلُوا... فَأَعْقَبَهُمْ نِفَاقًا فِي قُلُوبِهِمْ إِلَى يَوْمِ يَلْقَوْنَهُ...» (توبه 9، 75-77)

- بعضی از آنان با خدا عهد کرده اند که اگر از کرم خود به ما عطا فرماید حتماً صدقه می دهیم ... اما هنگامی که از فضل خویش به آنان بخشید، بدان بخل ورزیدند ... این عمل، روح نفاق را تا روزی که خدا را ملاقات کنند در دل هایشان برقرار ساخت.

(12) منافقان به خدا و روز رستاخیز ناباورانند:

«وَ مِنَ النَّاسِ مَن يَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ وَ بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَ مَا هُمْ بِمُؤْمِنِينَ» (بقره 2، 5) - از مردم کسانی هستند که می گویند: «به خدا و روز رستاخیز ایمان آورده ایم» در حالی که ایمان ندارند.

(13) منافقان فسادکارانند:

«أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ الْمُفْسِدُونَ وَ لَكِنَّ لَا يَشْعُرُونَ». (بقره 2، 13) - آگاه باشید! این ها (منافقان) همان مفسدانند؛ ولی نمی فهمند.

(14) منافقان از قرآن و پیامبر رویگردانند. «وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَى مَا أَنزَلَ اللَّهُ وَ إِلَى الرَّسُولِ رَأَيْتَ الْمُنَافِقِينَ يَصُدُّونَ عَنْكَ صُدُورًا» (نساء 4، 61) - و هنگامی که به آنان گفته شود به سوی آنچه خداوند نازل کرده و به سوی پیامبر بیایید، منافقان را می بینی که (از قبول دعوت) تو اعراض می کنند:

15) نماز را با کسالت و برای مردم می خوانند: «إِنَّ الْمُنَافِقِينَ يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَهُوَ خَادِعُهُمْ وَإِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كَسَالَى يُرَآؤُونَ النَّاسَ...» (نساء 4، 142) - منافقان می خواهند خدا را فریب دهند، در حالی که او آنان را فریب می دهد و هنگامی که به نماز برمی خیزند، با کسالت برمی خیزند و در برابر مردم ریا می کنند.

16) منافقان از دین بازگشتگان و کافرانند: «ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا...» (منافقون 63، 3) - این به خاطر آن است که آنان نخست ایمان آوردند، سپس کافر شدند.

17) منافقان برادران و دوستان کافرانند:

17-1) «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ نَافَقُوا لِإِخْوَانِهِمُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ...» (حشر 59، 11)

- آیا منافقان را ندیدی که پیوسته به برادران کافر خود از اهل کتاب، می گفتند: ...

17-2) «بَشِّرِ الْمُنَافِقِينَ... الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ...» (نساء 4، 138 و 139)

- منافقان را به عذاب دردناکی مژده ده؛ آنانی که به جای مؤمنان، کافران را دوست خود می گیرند.

18) منافقان قصد براندازی حکومت پیامبر خدا (ص) را داشتند:

«يَقُولُونَ لَنْ رَجَعْنَا إِلَى الْمَدِينَةِ لِيُخْرِجَنَا الْأَعْرَابُ مِنْهَا الْأَذَلَّ...» (همان، 8) - آنان (منافقان) می گویند: «اگر به مدینه باز گردیم، عزیزان، ذلیلان (پیامبر و اطرافیان) را بیرون می کنند.

19) برای جلوگیری از راه خدا به دروغ متوسل می شوند:

19-1) «اتَّخِذُوا أَيْمَانَهُمْ جُتَّةً فُصِّدُوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ...» (همان، 2)

- آنان (منافقان) سوگندهایشان را سپر ساخته اند تا مردم را از راه خدا بازدارند

19-2) «... وَ اللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَكَاذِبُونَ» (همان، 1)

- خداوند شهادت می دهد که منافقان دروغگویانند.

20) منافقان چرب زبانند:

«... وَ إِنْ يَقُولُوا تَسْمَعُ لِقَوْلِهِمْ...» (همان، 4) - هنگامی که (منافقان) حرف می زنند تو به سخنانشان گوش فرا می دهی.

21) هر فریادی را بر ضد خود می پندارند:

«... يَحْسَبُونَ كُلَّ صَيْحَةٍ عَلَيْهِمْ...» (همان)

22) دشمن اصلی پیامبر و مؤمنانند:

«... هُمْ الْعَدُوُّ فَاحْذَرُهُمْ...» (همان) - آنان (منافقان) دشمنان واقعی شمايند از آنان بپرهیزید.

23) منافقان خدا را و خدا آنان را فراموش کرده است:

«... تَسُو اللَّهَ فَنَسِيَهُمْ» (توبه 9، 67) - (منافقان) خدا را فراموش کرده اند، در نتیجه خدا هم آنان را فراموش کرده است.

24) منافقان، مگسانند گرد شیرینی:

«وَمِنَ النَّاسِ مَن يَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ فَإِذَا أُوذِيَ فِي اللَّهِ جَعَلَ فِتْنَةَ النَّاسِ كَعَذَابِ اللَّهِ وَلَئِن جَاءَ نَصْرٌ مِّن رَّبِّكَ لَيَقُولُنَّ إِنَّا مَعَكُمْ...» (عنکبوت 29، 10) - از مردم کسانی هستند که می گویند: «به خدا ایمان آورده ایم!» اما هنگامی که در راه خدا شکنجه و آزار می بینند، آزار مردم را همچون عذاب الهی می شمارند؛ ولی هنگامی که پیروزی از سوی پروردگارت بیاید، می گویند: «ما با شما بودیم»!!

با توجه به آیاتی که درباره منافقان و صفات آنان در قرآن گذشت، چنین می نماید که نفاق در قرآن بر اساس مبانی اعتقادی درجه اول، یعنی اصول دین اسلام، تعریف و تبیین گردیده است. از این رو در دیدگاه قرآنی، منافقان، همان کافرانی هستند که پوستین اسلامیت پوشیده و برای پیشبرد اهداف و اغراض سیاسی و اجتماعی خود با مسلمانان در آمیخته اند؛ گاه با بی میلی تمام به نماز می ایستند و تا پشت جبهه های جهاد، مسلمانان را همراهی می نمایند، گاه مسجد می سازند و ...؛ در حالی که نه خدا و روز رستخیز را باور دارند و نه رسالت پیامبر اسلام را. به بیانی دیگر، منافقان، کافران مسلمان‌نمایی هستند بدون باور قلبی به مبانی اسلام.

[1]- لسان العرب، 10، 359

[2]- نک: همان

[3]- نک: همان، 358.

[4]- همان، 359.

[5]- همان، 359.

[6]- المعجم الوسيط، 2، 942.

[7] - تسنیم، 2، 261.

نویسنده: حسن رهبری